

تشیعی که امیدوار آری‌گویی به حقیقت بود

شماره پرسش: ۳۹۶۰۰

تاریخ ارسال پرسش: ۱۴۰۳/۱۲/۵ ۰۷:۴۲:۱۲

متن پرسش

سلام علیکم: فرمودید بنویسید شرح دل، را اطاعت کردم ای قلب چرا در سینه، تو را قراری نیست؟ چرا میل پر کشیدن از کالبد خاکی ام را داری؟ ای قلب شرمنده ام زمین گِیرت کردم ای قلب شرمسارم پر پروازت را چیدم ای قلب بی قرارم، برایت هیچ نکردم تو برایم کاری کن می‌دانم دلت حضور در جمع ملائک می‌خواهد می‌دانم، دل من هم می‌خواهد ای قلب عجیب چشم در پی پیکر بی جان سیدمان دوخته ای دلت خودش را می‌خواهد، همه ی همه ی خودش را. ای قلب همه ی او را در پی چه طلب می‌کنی؟ نکند دلت جدش را می‌خواهد؟ نکند اشکهای پی در پی ات در طلب ارباب بی کفنت است؟ ای بی دست و پا، ای جامانده حق داری خود را به نور سید وصل کنی، شاید فرجی شود شاید انتظار تو هم به سر رسد. شود آیا در این میکده ها بگشایند / گره از کار فروبسته ی ما بگشایند؟ ای قلب خودت را برسان خودت را به تابوت سید برسان شاید آنجا تو را هم حی کردند شاید آنجا میت وجودت را به نسیمی جان دادند.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: نه! همه ما با دست‌های باز هستی که به نور سید مقاومت در مقابل ما گشوده شده بود، همان‌جا بودیم تا با آغاز دیگری خود را تجربه کنیم که چه اندازه با سید مقاومت یگانه هستیم و امیدوار. آری‌گویی حقیقت که در افق این تاریخ، چشم‌اندازی را به سوی ما گشوده است. امری که در پیام رهبر معظم انقلاب در رابطه با تشیع سید مقاومت حاضر بودیم. موفق باشید